

## گزارشی از شب «یوسف ثبوتی» در کتاب‌فروشی فرهنگیان زنجان

### راز ماندگاری ایران

• پریسا احدیان

مجله بخارا

عصر پنجشنبه پانزدهم دی‌ماه سال یک‌هزار و چهارصد و یک، ششصد و پنجاهمین شب از سلسله شب‌های مجله بخارا این‌بار در کتاب‌فروشی فرهنگیان زنجان به شب «پروفسور یوسف ثبوتی» اختصاص یافت. این نشست با همراهی نشر دیبایه، نشر نی، مجموعه فرهنگیان، بنیاد ثبوتی، خانه دانش و مجله بخارا به مناسبت رونمایی از کتاب «علوم پایه زنجان؛ داستان بنیان‌گذاری مرکز تحصیلات تکمیلی» به روایت استاد ثبوتی و به کوشش ماندانا فرهادیان از سوی نشر نی با حضور علی دهباشی، پژمان موسوی برگزار شد. در این مجلس محمدرضا خواجه‌پور، ماندانا فرهادیان، سعداله نصیری قیداری، حمیدرضا خالصی فرد، الوند بهاری، مختار مهدی‌زاده، رشید زارع نهندی، یوسف ثبوتی و علی دهباشی به سخنرانی پرداختند. تجلیل از همسر پروفسور ثبوتی خانم عفت براتی یار و همراه زندگی استاد از دیگر بخش‌های این نشست بود.

### علی دهباشی

#### روایت یک عشق عمیق

نکته‌ای که در ارتباط با استاد ثبوتی وجود دارد، آن چیزی است که با راز ماندگاری ایران پیوند می‌خورد. اگر ایران در طول هزاره‌ها در پهنه تاریخ بر نقشه جغرافیای جهان دوام آورده است به غیر از مسئله فرهنگ و زبان، وجود شخصیت‌هایی همچون دکتر ثبوتی است که آمده‌اند و بدون هیچ ادعا و امکانی با دست خالی فضاهای بزرگ و برگ‌های زرینی به فرهنگ، علم و دانش این مملکت افزوده‌اند. پروفسور ثبوتی، علامه دهخدا، امیرکبیر و بسیاری بسیار شخصیت‌هایی که در ذهن شما می‌آید، کسانی هستند که دغدغه‌شان ایران بوده و ایرانی بودن و جز به ایران به چیز دیگری نمی‌اندیشیدند. هر آینه اگر به چیز دیگری می‌اندیشیدند، نمی‌توانستند این کارهای عظیم را انجام دهند.

این کارهای عظیمی که در تاریخ ایران و زنجان باقی خواهد ماند، همه از یک عشق عمیق و شور وافر سرچشمه می‌گیرد که از قلب و وجود این استادان ما بوده است و دکتر ثبوتی از زمره بزرگان ایران هستند. تا ایران هست نامشان و یادگارهایشان جاوید خواهد ماند.

## محمد رضا خواجه پور

### سررسیدنامه‌ها و یادداشت‌های روزانه

پروفسور ثبوتی در سفرها عادت داشت همیشه کیفش را با خود بیاورد و بعد از اینکه از صحبت کردن خسته می‌شدیم، یک کتابچه سررسیدنامه و قلمی را از داخل کیفش درمی‌آورد و مشغول به نوشتن می‌شد. یک روزی کسی در این سفرها پرسید که این نوشته‌ها چیست؟ گفتند که این‌ها خاطرات سفر من هست از چیزها و آدم‌هایی که در سفر دیدم. نوشته‌هایشان گاهی اوقات ملاقات‌های علمی بود با کسانی که دیده و همکارانی که با او در تهران صحبت کرده بودند یا میهمانانی که از خارج دعوت کرده بودیم و به زنجان می‌آمدند یا با ایشان همسفر شده بودند. این چیزها در این سررسیدنامه‌ها ثبت می‌شد. این‌ها در واقع تاریخچه و یا دست کم بخشی از آن چیزی است که در مورد ساخت دانشگاه علوم پایه زنجان در نتیجه همت بلند ایشان در طول این سال‌ها به صورت یادداشت نوشته شده است.

مهم‌ترین عادت پروفسور ثبوتی عشق و علاقه‌ای است که به طبیعت دارند. اگر سرسبزی دانشگاه را ببینید هر چه هست از این عشق بی‌نظیری است که این مرد بزرگ به طبیعت، گل و گیاه، سبزی و آن چیزی که می‌روید و رشد می‌کند، دارد.

## ماندانا فرهادیان

### روایت تأسیس علوم پایه زنجان

«در تمام این سال‌ها فکر می‌کردم داستان چگونگی تأسیس دانشگاه علوم پایه باید به نوعی گفته شود. از اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد بود که با خود می‌گفتم کاش این کار انجام شود و آن برای من تبدیل به یک باید شد تا باقی هم بتوانند کارهای مدیریتی که در علوم پایه انجام شده سرمشق خود قرار دهند. به تنهایی آغار کردم و گفتم راه بیفتم و با تمام دست‌اندرکاران سال‌های اول دانشگاه مصاحبه کنم و روایتشان را از ساخته شدن دانشگاه بیاورم. از طرفی دکتر ثبوتی یادداشت‌هایی داشتند و در سال‌نامه‌هایشان یادداشت‌های روزانه می‌نوشتند. می‌دانستم هر کاری بکنم چهارچوبش یادداشت‌های دکتر ثبوتی خواهد بود. شروع کردم. نوشته‌های ایشان مثل خودشان کم گو و گزیده گو بودند. دیدم خیلی جاها لابه‌لای خط‌ها هم کلی ناگفته‌ها هست و یادداشت‌ها خیلی از کارهای سخت را سهل و ممتنع نشان داده بودند. فکر کردم باید این مسائل بیشتر باز شده و بین خطوط هم پر شود. گمان کردم شاید صحبت با آقای دکتر بتواند لابه‌لای این خط‌ها را پر کند. ایشان با حوصله پرسش‌های من را پاسخ می‌دادند. تقریباً حدود دو سالی بررسی یادداشت‌ها و طرح سئوالات طول کشید. نگاه من یک نگاه درونی بود. نگاه کسی که به این دانشگاه علاقه داشته و در آن زندگی کرده است. با این دانشگاه بزرگ شده و پیچ و خم

و ریز درشتش را می‌داند. دلم می‌خواست کسی نگاهی بیرون از دانشگاه به این اثر داشته باشد و در اینجا از آقای الوند بهاری خواهش کردم و ایشان بسیار دقیق و موشکافانه کتاب را خواندند و نظر دادند.

### سعدالله نصیری قیداری

#### ویژگی های مکتب ثبوتی

افتخاری که در عمرم دارم و همیشه خواهم داشت شاگردی استاد ثبوتی در سال ۱۳۵۶ بود که به دانشگاه شیراز رفتم. استاد دانشگاه یکسری وظایف آموزشی دارد. لازم نیست بگویم ایشان در این حوزه چقدر موفق بودند و چه دروسی را برای اولین بار تدریس کردند. حقیقتاً در حوزه آموزش به عنوان یک معلم تأثیرگذار و شاگردپرور یکی از خوبان کشور و نظام آموزش عالی ما هستند.



### حمیدرضا خالصی فرد

#### سیر فکری پروفیسور یوسف ثبوتی

"کتاب علوم پایه مجموعه‌ای از یادداشت‌های دکتر ثبوتی است از شروع تأسیس دانشگاه تا سال ۱۳۷۴ ه.ش را روایت می‌کند. خانم ماندانا فرهادیان زحمت کشیده مصاحبه‌هایی هم به آن اضافه کرده‌اند. یادم هست تا ۷ و ۸

شب به بعد، سه چهار ساعت با آقای دکتر مصاحبه می‌کردند. این اثر گزیده‌ای از مجموعه آن مصاحبه‌هاست. و بعد این‌ها بین یادداشت‌های دکتر ثبوتی چیده شده است. این کتاب نه تنها منشوری برای این دانشگاه است بلکه از نظر من برای تمام آن‌هایی که می‌خواهند معلمی کنند و در آموزش عالی کشور نقشی داشته باشند، تجارب کسی است که پنجاه سال معلمی مفید کرده است.

کسی که از اولین روزهای دانشگاه همراه دکتر ثبوتی شد، از همان آدم‌های قابل‌ی که ایشان دنبالش می‌گشت، دکتر خواجه‌پور بود. ایشان نه تنها در اساسی‌ترین امور دانشگاه از طراحی برنامه‌های آموزشی و پژوهشی گرفته تا برنامه‌های درسی تا امور اداری همراهان بودند بلکه هنوز می‌دانم مبنای بسیاری از نام‌نگاری‌هایی که داریم آن چیزی است که دکتر خواجه‌پور برنامه‌ریزی کرده‌اند بلکه در اموری که مربوط به این می‌شد تا این دانشگاه باید به چشم این آدم‌ها خوش بیاید و به دلشان خوش بنشیند. با تمام این تفصیلات این دو نفر هیچ‌گاه معلمی‌شان را کنار نگذاشتند. دکتر ثبوتی در صفحات مختلف این کتاب از جلساتی می‌گوید که با دانشجویها برگزار می‌کرده از دنبال کردن مقاله‌هاشان و نوشتن آن‌ها ولی بعد سراغ ساخت ساز دانشگاه و ... می‌رود.

## مختار مهدی زاده

### مؤسسات مردم نهاد و آموزش

پروفسور ثبوتی هیچ چیز را برای خود نمی‌خواهد. هر چه می‌خواهد برای شهر و کشورش است. آموزش و پرورش ما نمی‌تواند انسان کارآمد و اخلاقی تربیت کند. آموزش غیررسمی بیشترین اثر را دارد و آن هم به نوعی توسط مؤسسات مردم نهاد اتفاق می‌افتد. امروزه بسیاری از دانشجویان فوق و دکتری حتی نمی‌دانند پژوهش چیست! این را باید از کجا آغاز کرده و یادگیرند؟ از دبستان و دبیرستان! اما بنیاد ثبوتی این کار را انجام می‌دهد. مدرسه به بچه‌های شما محفوظات ذهنی یاد می‌دهد. اما مراکزی از این قبیل تخصص، تعهد، قابلیت، توانایی و اعتماد به نفس را می‌آموزد. آن زمان است که شخص می‌ایستد و می‌گوید هر چیزی هست باشد اما سرزمین برای خودم است و می‌خواهم به آن خدمت کنم. مگر پروفسور ثبوتی نمی‌توانستند در یکی از کشورهای عالی دنیا فعالیت کرده و استراحت کنند و مقالاتشان را بدهند؟ پس چرا در ۶۰ سالگی به زنجان می‌آیند و در ۹۰ سالگی هنوز هم مقاله می‌دهند؟ ایشان همه چیز را برای شهر و کشورش می‌خواهد اما متأسفانه برخی اوقات احساس می‌شود کم‌لطفی‌هایی هم وجود دارد.

دانشجویانی که در رابطه با استاد نظر دادند به وجدان کاری، سخاوت علمی و حکیمانه، رعایت سنت‌های دانشگاهی، برخورد منطقی با مسائل، انضباط، جدی بودن، تلاش و پژوهش، دقت نظر در انتخاب واژه‌ها در هنگام سخن گفتن، علاقه به رشد و توسعه، هنر ظریف خوب گوش دادن ایشان اشاره داشته‌اند.

## رشید زارع نهندي

### شور زندگي و دكتر ثبوتي

برخي روانشناس‌ها معتقدند كه هر انساني يك كودك دروني دارد و اين كودك درون با هيچان، شور، شوق و بازگوشي همراه است. بعد از مدتي بزرگ مي‌شويم و عملاً او را خفه مي‌كنيم ولي استاد ثبوتي اين كودك درون و آن خاصيت شور و شوق و بازگوشي را خيلي خوب حفظ کرده و اهميت زيادي به آن داده‌اند و با اين كسوت و هيبت حتي آن بازگوشي را دارند. چيزي كه نمي‌شود بيانش كرد و بايد با ايشان سفر برويد، همراهي‌شان كنيد، غذا بخوريد، آتش روشن كنيد تا ببينيد كه چقدر هيچان، شور و شوق زندگي هميشگي در وجودشان مي‌جوشد. من چنين فردي را تابحال ندیده‌ام.

## الوند بهاري

### ويژگي يادداشت‌هاي استاد ثبوتي

نويسنده اين يادداشت‌ها تصويري كه از خود به دست داده تصوير انسان عادي است. موهائيش بلند مي‌شود پس بايد برود سلماناي؛ در خانه كاري پيش مي‌آيد بايد رسيدگي كند؛ علاوه بر وظيفه كاري از سرگرمي‌هايش هم دست نمي‌كشد. همسر، داماد، برادر، پدر، پدربزرگ، دايي و عمو است و در مناسبت‌ها و ديدارهاي خانوادگي حتي اگر در شهرهاي ديگر باشند، سعي مي‌كند حضور داشته باشد. اين‌ها در نوشته‌هايش ثبت شده آن هم در نوشته كسي كه بسيار اهل ايجاز است پس احتمالاً مي‌خواهد بگويد آقاين دانشگاهي رويدادهاي خانوادگي كار است و اين‌ها اهميت دارد. همه چيز سر جاي خودش است و با مديريت زمان مي‌توان به آن رسيد. از زبان مادري هم در فارسي نويسي بهره گرفته‌اند.

## پروفسور ثبوتي

### خطاكاران اندكند

هر كدام از ما بسته به دامنه نفوذی كه داشته‌ايم تنها خود را صالح و درست كار دانسته‌ايم و ديگران را قابل اعتماد ندیده‌ايم. فردي كه مدام پاييده، ارشاد و حراست شود زبون، بي عمل، بي انگيزه و بي اعتنا به منافع خود و ديگران بار مي‌آيد. مبتكر، خلاق و آفريننده نخواهد بود. پيش خود و ديگران احترام نخواهد داشت و در خطر سقوط اخلاقي و از دست دادن منزلت انساني خواهد بود. دروغ خواهد گفت و به سوي كج‌اندوشي سوق داده خواهد شد. آيا اين نشانه‌ها را در جامعه هشتاد ميليوني آيراني ندیده‌ايد؟ جناب آقاي رئيس جمهور! من به رياست جمهوري

چهار سال آینده شما رأی داده‌ام. کشور را با پشتیبانی مردم و درایت خود از سرنوشتی که می‌تواند سرنوشت همسایه‌های شرقی و غربی‌اش باشد دور ساخته‌اید برایتان آرزوی توفیق دارم ولی به سخنانی که به عرض رساندم گوشه چشمی داشته باشید.

خطاکاران در همه جا اندکند، نابغه‌ها هم همینطور بوده‌اند. انبوه آدم‌های متوسط درست‌کار و درست‌اندیش هستند که چرخ روزمره جماعت را می‌چرخانند. در برنامه‌ریزی‌های کشورتان انبوه آدم‌های متوسط را قرار دهید. نابغه‌ها و تیزهوش‌ها خود گلیم‌شان را از آب بیرون می‌کشند و ناخلف‌ها و نادرست‌ها هم اگر بستر را مناسب ندیدند پا پس می‌کشند. اگر به مردم معمولی میدان دهید کار خواهند کرد، کار خواهند آفرید و بیکاری را از بین خواهند برد، چرخ اقتصاد را خواهند چرخاند و رونق خواهند داد.